

مزامیر ایش 115

- 1 ما را نی، ای خداوند! ما را نی، بلکه نام خود را جلال ده! بهسبب رحمتت و بهسبب راستی خویش.
- 2 اَمّت‌ها چرا بگویند که خدای ایشان الآن کجاست؟
- 3 اَمّا خدای ما در آسمانهاست. آنچه را که اراده نمود، به عمل آورده است.
- 4 بنهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان.
- 5 آنها را دهان است و سخن نمی‌گویند. آنها را چشمهاست و نمی‌بینند.
- 6 آنها را گوشهاست و نمی‌شنوند. آنها را بینی است و نمی‌بویند.
- 7 دستها دارند و لمس نمی‌کنند. و پایها و راه نمی‌روند. و به گلوی خود تتطّق نمی‌نمایند.
- 8 سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر آنها توکل دارد.
- 9 ای اسرائیل بر خداوند توکل نما. او معاون و سپر ایشان است.

دوم قرننتیان ایش 3

- 4 اَمّا بهوسیله مسیح چنین اعتماد به خدا داریم.
- 5 نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کنیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت ما از خداست.
- 6 که او ما را هم کفایت داد تا عهد جدید را خادم شویم، نه حرف را بلکه روح را زیرا که حرف می‌گشود لیکن روح زنده می‌کند.
- 7 اَمّا اگر خدمت موت که در حرف بود و بر سنگها تراشیده شده با جلال می‌بود، به‌حدّی که بنی‌اسرائیل نمی‌توانستند صورت موسی را نظاره کنند بهسبب جلال چهره او که فانی بود،
- 8 چگونه خدمت روح بیشتر با جلال خواهد بود؟
- 9 زیرا هرگاه خدمت قصاص با جلال باشد، چند مرتبه زیادتیر خدمت عدالت در جلال خواهد افزود.

مرقس ایش 7

- 31 و باز از نواحی صور روانه شده، از راه صیدون در میان حدود دیکاپولیس به دریای جلیل آمد.
- 32 آنگاه کری را که لکنت زبان داشت نزد وی آورده، التماس کردند که دست بر او گذارد.
- 33 پس او را از میان جماعت به خلوت برده، انگشتان خود را در گوشهای او گذاشت و آب دهان انداخته، زبانش را لمس نمود؛
- 34 و به سوی آسمان نگریسته، آهی کشید و بدو گفت، اَفْتَحْ! یعنی باز شو
- 35 در ساعت گوشهای او گشاده و عقده زبانش حلّ شده، به درستی تکلم نمود.
- 36 پس ایشان را قدغن فرمود که هیچ‌کس را خبر ندهند؛ لیکن چندان که بیشتر ایشان را قدغن نمود، زیادتیر او را شهرت دادند.
- 37 و بی‌نهایت متحیر گشته می‌گفتند، همه کارها را نیکو کرده است؛ کران را شنوا و گنگان را گویا می‌گرداند!